

## نقد و بررسی نگارشی، ویرایشی و دستوری آرای دادگاه‌های عمومی جزایی مشهد و شناسایی ضعف‌ها و عوامل اثر گذار بر آنها

دکتر حسن بساک<sup>۱</sup>

مریم سعادت زاده<sup>۲</sup>

محمد حسین بساک<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف نقد و بررسی نگارشی، ویرایشی و دستوری آرای دادگاه‌های عمومی جزایی مشهد و شناسایی ضعف‌ها و عوامل اثر گذار بر آنها انجام شده است. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای - توصیفی و کیفی با رویکرد گروه‌های کانونی و روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری در دسترس است. برای گردآوری اطلاعات پژوهش، از پرسش‌نامه باز پاسخ استفاده گردیده است. سؤال‌های پژوهش عبارت است از: گستره اشکال‌های نگارشی، ویرایشی و دستوری تا چه حد و شامل چه مواردی است؟ عوامل مؤثر بر پیدایش خطاهای نگارشی، ویرایشی و دستوری کدام است؟ وجود این اشکالها چه پیامدهایی دارد؟ مهمترین یافته پژوهش این است که: هم اندیشی و ارتباط مؤثر صاحب نظران و استادان زبان و ادب فارسی و حقوق در رفع نابسامانی‌های ادبیات حقوقی و قضایی به ویژه اصلاح منابع آموزشی و توسعه قلمرو هر دو زبان می‌تواند کارساز باشد و در سایه

۱. نویسنده مسئول. عضو هیئت علمی و استاد یار دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور واحد مشهد

ایمیل [mm-st1389@yahoo.com](mailto:mm-st1389@yahoo.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور واحد گناباد

۳. کارشناس حقوق دانشگاه پیام نور

این تعامل زمینه گسترش عدالت، نظم، احقاق حقوق مردم، حفظ سرمایه‌های ملی و صیانت مقام قضا فراهم آید.

**واژگان کلیدی:** آرای جزایی، انشای رأی، آیین نگارش، محاکم مشهد، نقد

### مقدمه

آرای دادگاهها به عنوان اسنادی رسمی و معتبر ابزاری برای انتقال رسمی و مستقیم پیام به مخاطبان به شمار می‌آید. صاحبان پرونده اعم از اشخاص حقیقی در درجه اول و اشخاص حقوقی، وکلا و نمایندگان آنان در درجه دوم مخاطب این پیام‌ها محسوب می‌شوند. در این میان آرای جزایی به لحاظ پیامدهای اجرایی خود در جامعه اهمیت فراوانی دارد.

بررسی آماری چند سال اخیر نشان می‌دهد که تنها در سال ۱۳۹۱ به تعداد ۸۰۸۱۸ پرونده در دادگاه‌های جزایی مشهد رسیدگی قضایی شده است. (دفتر کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مشهد، ۱۳۹۲) یعنی روزانه با صدور دست کم ۲۲۱ رأی و در هر یک به شکلی راجع به مال، حیثیت و آینده افراد تصمیم گرفته‌اند.

از میان آرای اجرایی، حکمی قابلیت اجرا پیدا می‌کند که اصول و قواعد لازم از هر حیث در آن رعایت شده باشد. صرف نظر از باید و نبایدهای حقوقی، قضایی و رعایت قانون آنچه به اعتبار و انسجام و اجرای به موقع احکام کمک می‌کند، شیوه نگارش و پختگی نثر آن است.

مشاهدات نویسندگان در مطالعه آرای دادگاههای مختلف در روند پژوهش این مقاله، حجم بالای مراجعه افراد با در دست داشتن رأی و تقاضای تشریح و تفسیر آن، بازگشت پرونده‌ها از واحد اجرای احکام برای رفع ابهام و اظهار نظر دوباره قاضی، درخواست صدور حکم اصلاحی از سوی اشخاص و قضات اجرا و دیدگاه

و کلا راجع به آرا همگی نشان از وجود نابسامانی‌های نگارشی، ویرایشی و دستوری در ادبیات قضایی به ویژه آرای دادگاه‌های کیفری دارد.

با بررسی‌های انجام شده، پژوهشی که مستقیم به بررسی آرای دادگاه‌های جزایی مشهد از حیث آیین نگارش، ویرایش و دستور زبان فارسی و علل و آثار ضعف‌های آن پرداخته باشد بدست نیامد. اما مطالعه منابع مشابه چاپ شده حاکی از این است که تلاش‌هایی در راستای آموزش فن نگارش حقوقی و قضایی صورت گرفته است. این منابع بیشتر به صورت کتاب و برای دانشجویان حقوق، کارآموزان و کالت و جامعه قضایی کشور تألیف شده است.

در این میان آثاری دیده می‌شود که علاوه بر تبیین بایسته‌ها و راهنمایی‌های جامع نگارشی، کلیشه‌ها و نمونه‌هایی از احکام دادگاه‌های عمومی جزایی را به عنوان الگوی کار به مخاطب خود عرضه داشته که خود دارای اشکال‌های نگارشی و دستوری فراوان است. نکته جالب توجه اینکه در برخی تا آخرین نوبت چاپ (نهم) این خطاها همچنان تکرار شده و ویرایشی صورت نگرفته است.

از دیگر منابع آموزشی نشریه پیام آموزش را می‌توان نام برد که معاونت تحقیق و آموزش قوه قضاییه از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ به صورت گام به گام در هر شماره بخشی از فنون نگارش و انشای رأی را آموزش داده است.

در زمینه نقد تاکنون دو نفر از قضات به نام‌های محمد رضا خسروی در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸ به ترتیب در کتابهایی با عنوان "آیین نگارش حقوقی" و "نقد نگارش آرای قضایی" و محمد صالحی راد در سال ۱۳۸۸ با تألیف کتاب "آیین نگارش آراء قضایی" علاوه بر آموزش درست نویسی چند رأی از دادگاه‌های مختلف کشور را نقد کرده‌اند.

آخرین تلاش در این حوزه پایان‌نامه‌ای است در مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از فرشته شیعه علی در سال ۱۳۹۲ که البته با هدف آموزش به نقد و

بررسی نگارشی آرای دادگاه‌های عمومی حقوقی مشهد پرداخته است. وی در این پژوهش به این نتیجه رسیده که خطاهای نگارشی در آرای حقوقی بسیار است و آزمون‌های ضمن خدمت برای قضات و گنجاندن آیین نگارش در بین منابع درسی برای دانشجویان حقوق ضروری می‌نماید. حال که به رغم همه تلاش‌ها و آموزش‌ها بازار ادبیات قضایی همچنان آشفته و دکان شلخته نویسی‌کماکان پررونق است، به نظر می‌رسد که مبحث نگارش و دستور زبان فارسی در متون قضایی خاصه در آرای دادگاه‌ها از منظری نو مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

این پژوهش سعی دارد با نقد و بررسی نگارشی، ویرایشی و دستوری آرای دادگاه‌های جزایی مشهد، شناسایی نقاط قوت و ضعف و عوامل اثرگذار بر آنها در راستای بهبود کیفی این آرا مؤثر باشد. نتایج حاصل از این تلاش جنبه کاربردی دارد و هدف از آن توجه به شیوه‌های کارآمد آموزشی و نظارتی در دستگاه قضایی کشور است. تبیین نقش زبان حقوقی و منابع مورد استناد در ادبیات قضایی به ویژه انشای آرای محاکم جزایی در حفظ سرمایه‌های ملی، احقاق حقوق مردم، صیانت از منزلت دستگاه قضا، امنیت و سلامت جامعه به عنوان هدفی دیگر مورد توجه است.

توجه به اصلاح و ویرایش منابع حقوقی و آموزشی از سوی صاحبان قلم در این حوزه با یاری جستن از صاحب نظران زبان و ادب فارسی از دیگر هدفها است؛ همچنین تذکری است به اندیشمندان حوزه زبان و ادب فارسی باشد که در این باب چاره‌ای بیندیشند.

پرسشهای مطرح در این بررسی عبارت است از اینکه:

۱. گستره اشکال‌های نگارشی، ویرایشی و دستوری تا چه حد و شامل چه

مواردی است؟

۲. عوامل مؤثر بر پیدایش خطاهای نگارشی، ویرایشی و دستوری کدام است؟

۳. وجود این اشکالها چه پیامدهایی دارد؟

این تحقیق که از جمله پژوهش‌های میان رشته‌ای است، به صورت کتابخانه‌ای - توصیفی و کیفی با رویکرد "گروه‌های کانونی"<sup>۱</sup> انجام می‌شود. برای پاسخ به پرسش‌ها در آغاز تعداد زیادی از آرای دادگاه‌های عمومی جزایی سراسر مشهد (دادنامه و نسخه پیش نویس آنها) جمع آوری و مطالعه شده از آن میان یکی به طور اتفاقی انتخاب سپس کیفیت نگارشی، ویرایشی و دستوری آن مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

در بخش کیفی با تنظیم پرسش نامه باز<sup>۲</sup> دیدگاه‌های قضات به عنوان صادرکنندگان و وکلا به عنوان بخشی از مخاطبان آرا مد نظر قرار دارد. در این بخش پرسشنامه‌ها بین دوازده نفر از قضات و وکلا توزیع شد. از آن جا که برگزاری مصاحبه همزمان با همه گروه ممکن نگردید برخی پاسخها به صورت نوشتار به دست آمد؛ از این تعداد سه نفر نیز پاسخی ندادند.

در پاسخ به پرسش اول باید گفت: مشاهدات نگارنده در مطالعه آرای بدست آمده بیانگر این نکته است که خطاهای نگارشی، ویرایشی و دستوری در آنها فراوان است؛ این خطاها شامل: به کار بستن علائم سجاوندی، رعایت نکردن رسم‌الخط فارسی در استفاده از واژگان عربی، تذکیر و تأنیث قائل شدن برای

۱. گروه‌های کانونی: وقتی به داده‌های کیفی - تفصیلی راجع به نظر افراد درباره یک پدیده نیاز داریم میتوان از گروه‌های کانونی استفاده کرد به عبارت دیگر هدف از به کار بردن این روش انجام مصاحبه گروهی و کسب نظر افراد نسبت به یک موضوع است. برای انجام مصاحبه گروه‌های کانونی، ابتدا باید نسبت به انتخاب افراد برای گروه کانونی تصمیم‌گیری نمود. سپس تعداد افراد گروه کانونی را که معمولاً بین ۶ تا ۱۲ نفر است انتخاب نمود. (بازرگان، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۸)

۲. پرسش‌نامه باز پاسخ: سؤال‌های یک هبه وسیله مصاحبه گرم طرح میشوند باید سؤالهای باز - پاسخ باشند. به طوری که شرکت کنندگان فقط به پاسخ "بلی" یا "نه" اکتفا نکنند. (همان: ۷۹)

برخی کلمه‌ها، حذف برخی حروف به قاعده تخفیف، حذف فعل‌ها بدون قرینه، کاربرد کلمه‌ها بدون توجه به معنای آن، کاربرد عبارات‌های عربی با وجود برابر فارسی آن، طولانی بودن جمله‌ها، بی‌توجهی به واحد شمارش، رعایت نکردن فاصله بین کلمات و .... می‌شود که در بخش نقد رأی به صورت مشروح به آن می‌پردازیم.

در بررسی عوامل مؤثر بر پیدایش این اشکال‌ها پاسخ دهندگان مهمترین دلایل را چنین عنوان کرده‌اند:

۱. دشواری‌های موجود در زبان فارسی و آمیختگی آن با زبان عربی
  ۲. ویژگی‌های زبان حقوقی، در منابع و متون مورد استناد
  ۳. ضعف‌های موجود در نظام آموزشی کشور در رابطه با آموزش زبان فارسی و شاخه‌های مرتبط با آن (دستور، املا و انشا)
  ۴. تراکم کار، کثرت پرونده‌ها و فرصت اندک قاضی
  ۵. نظارت ضعیف دستگاه قضا بر کیفیت نگارش آرا
- از آنجا که پرداختن به همه موارد در این گفتار کوتاه ممکن نیست، نخست مختصری به زبان و خط فارسی، تحولات و دشواری‌های آن می‌پردازیم. سپس از زبان و منابع حقوقی گفتگو می‌کنیم. در گام بعد بایسته‌های نگارش رأی را برمی‌شماریم و در پایان با نقد یک رأی یافته‌های خود را بیان می‌کنیم.

### زبان، خط فارسی و دشواری‌های آن

فرهنگ ایرانی مانند هر جامعه‌ای دیگر در طول تاریخ همواره دچار تغییر و دگرگونی بوده است. این تغییر در پی دادوستدهای زبان به ویژه با همسایگان پدید

آمده است. از آنجا که "زبان خالص مانند نژاد خالص تصور باطلی بیش نیست."<sup>۱</sup> زبان فارسی نیز به عنوان خاستگاه این تحول در مراوده با فرهنگ‌هایی همچون عثمانی، مغول، تازی و اروپا تغییری چشم‌گیری داشته است. نخستین و مهمترین آن را در مواجهه با تمدن اسلامی می‌توان دید.

این دگرگونی با نفوذ حکومت عربی در ایران آغاز و موجب رواج زبان تازی در میان ایرانیان شد؛ تا جایی که دانشمندان ایرانی زبان عربی را غنی‌تر، پرمایه‌تر و پرورده‌تر دانستند.

"بیرونی صاحب التفهیم در مقدمه کتاب الصیدنه که به عربی نگاشته است، زبان فارسی را برای داستان‌های خسروان و افسانه‌سرایی مناسب می‌داند و برای بیان مطالب علمی زبان تازی را برتر می‌شمرد."<sup>۲</sup>

### عربی در فارسی

نفوذ زبان عربی در فارسی به حدی بوده که علاوه بر واژگان، قواعد نحوی آن نیز با دستور زبان فارسی در آمیخته است. جمع بستن کلمه‌های فارسی با علائم جمع عربی "ات" در سفارشات، آزمایشات، پیشنهادات، باغات و "ین" در بازرسین، داوطلبین و یا به شیوه جمع مکسر عربی در کلمات فارسی مانند: درویش، اکراد، اساتید و فرامین، ورود تنوین‌های قیدساز در واژه‌های فارسی مانند: دوماً، گاهاً و زباناً، آوردن حرف تعریف عربی "حسب" بر سر کلمه‌های فارسی مثل: حسب الفرمایش، حسب الخواش، کاربرد صفت همراه با علامت تأنیث "ه" برای موصوف‌های فارسی مانند: بسته‌های مرسوله، همگی نشان از عمق دگرگونی خط و زبان فارسی در طی قرن‌ها دارد.

۱. نجفی، ۱۳۶۱

۲. کافی، ۱۳۶۱

"اما مهمترین تأثیر عربی در زبان فارسی نازا شدن دستگاه تصریفی افعال ساده زبان فارسی بوده است که در مثل به جای آموزاندن، تعلیم دادن؛ به جای خوردن، تغذیه کردن؛ به جای کوشیدن، سعی به عمل آوردن، ( ... ) متداول شد. این به علت ورود اسم مصدرهای عربی بود که به ناچار با افعال کردن، شدن، گردیدن، نمودن و غیره همراه می‌شدند. کثرت این مصدرهای عربی آن قدر بود که حتی در مورد مصادر فارسی نیز اعمال و عادت بر آن شد که ابتدا از مصادر فارسی اسم مصدر بسازند و آنگاه آن اسم مصدر را به صورت ترکیبی در آورند مانند: کوشش کردن به جای کوشیدن، آموزش دادن به جای آموزاندن؛ پرورش دادن به جای پروریدن."<sup>۱</sup>

این اثرپذیری در گذر زمان و همراه با تحولات و پیشرفت‌های بشری ادامه داشته و هم اکنون نیز در زبان فارسی عامه، معیار و گونه‌های مختلف علمی آن به تناسب نیاز خود وجود دارد.

در این میان علوم حقوقی و قضایی به لحاظ پیوستگی به منابع اسلامی اثرپذیری بیشتری دارد. "در آغاز تأسیس دادگستری در ایران ناگهان مقدار کثیری از اصطلاحات جعلی که از روی قواعد صرف عربی ساخته شده بود وارد فارسی شد، ولی دیری نپایید که خوشبختانه از رواج افتاد؛ مانند نسوان محترمت، خاتون محترمه و متهمتین مزبورترین."<sup>۲</sup>

این تأثر اکنون هم در موضوع مورد پژوهش یعنی آرای دادگاههای جزایی به خوبی دیده می‌شود. مانند: فرمایشات، گزارشات، دستورات، امتناع ورزیدن، مبادرت نمودن، استماع کردن، تخفیف دادن، صادر نمودن، پرونده وارده، حکم صادره، قوانین موضوعه، پرونده مختومه و حتی در واژه‌هایی مانند: روز، پدر، زن و

۱. کافی، ۱۳۶۱

۲. نجفی، ۱۳۶۱



شوهر میل غالب بر کاربرد برابره‌های عربی آنها است یعنی یوم، ابوی، زوجه، عیال و زوج، همچنین کلمه‌های ساختگی نظامت، قیمومت و مقصریت کاربرد فراوان دارد.

### درست و غلط

در پی این تغییر و تحول دشواری‌هایی در خط، زبان و دستور فارسی پدید آمد. این پدیده دو یا چندگانگی صورت‌های زبانی و خطی است که با عنوان "درست و غلط" شناخته می‌شود. مانند: تهران و طهران، عسکر و عسگر که فرد در تشخیص درست آن دچار تردید می‌شود.

البته این دوگانگی یا چندگانگی در زبان‌های دیگر مانند عربی نیز دیده می‌شود. همچون "إخوان و أخوان، سِقَايَت و سَقَايَت" <sup>۱</sup> فرشید ورد درست و غلط را چنین تعریف می‌کند:

"درستی و استواری سخن یعنی مطابقت آن با قواعد خط و زبان و ادبیات رسمی، یعنی مطابقت با قواعد صرفی و نحوی و آوایی و املاتی و ادبی زبان و ادبیات رسمی و غلط مغایرت کلمه یا کلام است با قواعد زبان و خط و ادبیات رسمی که سبب نامفهومی و پیچیدگی و دشواری بیان می‌گردد." <sup>۲</sup>

مسئله درست و غلط از جمله مباحثی است که ادیبان و زبان‌شناسان همیشه در آن اختلاف نظر داشته‌اند. "بسیاری از ادبا تصور می‌کنند که بعضی از صورت‌های زبانی که امروزه ما به کار می‌بریم به سبب تفاوت با شکل قدیمی‌تر آنها که در آثار بزرگانی مانند: فردوسی، سعدی، نظامی، مولوی و حافظ بکار رفته غلط است. مثلاً "می‌باشد" بجای "است" غلط است و اگر بجای "کردن" "نمودن" گفته شود

۱. فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۹۵

۲. فرشیدورد، ۱۳۸۷: ۳۵

(... مرتکب اشتباه لغوی شده و اگر بعد از وجه وصفی " واو عطف " به کاربرد غلط دستوری از او سرزده است [ اما از دیدگاه زبان شناسان ] این برخورد با زبان بی شک برخوردی سطحی است. زیرا آنچه در این برخورد فراموش شده اصل اساسی تحول زبان است . ( .... ) آنچه از نظر زبان شناسان باید در زبان معیار<sup>۱</sup> تأیید و تثبیت شود تلفظ‌ها و قواعد طبیعی زبان و بطور کلی صورت‌هایی است که مطابق تلفظ عامه درس خواندگان باشد. انتقال قواعد آوایی و صرفی و نحوی قدیم و پیروی از قواعد زبان عربی نه تنها در سبک معیار بلکه در سایر گونه‌های زبان نیز بکلی مردود است."

غلط‌های رایج بیشتر در نوشتار دیده می شود. چون نوشتن برخلاف حرف زدن عملی است رسمی و مردم تنها در مواقع معین به آن نیازمند می شوند. مثلاً زمانی که به دادگستری مراجعه می کنند، تقریباً بیشتر آنها، حتی تحصیل کرده‌ها در نوشتن خواسته‌های خود دچار تردید و تزلزل می شوند. شاید به تعبیر نویسنده کتاب **به زبان آدمیزاد** حرف مکتوب فرق [می کند] می کرد. حرف وقتی نوشته [شود] می شد، سندیت پیدا [می کند] می کرد (...). حرف مکتوب را بخصوص اگر مهر و امضا یا اثر انگشتی زیرش [باشد] بود، به این راحتی‌ها [نمی شود] نمی شد، انکارش کرد.<sup>۲</sup>

غلط املائی باشد یا انشایی، معنایی باشد یا در کاربرد نادرست واژگان و یا دستور، موجب نارسایی کلمه و کلام می شود.

۱. زبان معیار زبانی است که در ورای لهجه‌های محلی و اجتماعی رایج در یک کشور قرار داد و وسیله ارتباط اجتماعی و علمی و ادبی ... کسانی است که ممکن است در شرایط دیگر به لهجه‌های محلی یا اجتماعی خاص خود تکلم کنند. این زبان معمولاً همان زبان درس خواندگان است و غالباً با زبان نوشتاری یکی است (صادقی، ۱۳۷۵).

۲. بهاری، ۱۳۹۱: ۲۳

موارد زیر نمونه‌هایی از غلط‌های موجود در آرای دادگاه‌های جزایی مشهد است:

۱. "و با علم و عملاً مبادرت به تخریب منزل شاکی را نموده است." مبادرت نمودن: اسم مصدر عربی "مبادرت" همراه با فعل "نمودن" از جمله ساختارهای صرفی است که با ورود زبان عربی در فارسی رایج شده است. با توجه به اینکه فعل مبادرت نمودن نیاز به مفعول ندارد آوردن کلمه "را" از نظر دستوری غلط است.

۲. "ثالثاً یک بار با گوشی مسروقه از سیم کارت شاکی تماس گرفته شده و نتوانسته در دادگاه ثابت کند. که مفقود و یا ناقل قانونی به غیر منتقل شده است." آوردن علامت تأنیث (ه) در صفت مفعولی "مسروقه" برای موصوف فارسی غلط دستوری است. حذف فعل "است" بعد از "شده" و نتوانسته "بدون قرینه اشتباه است. شاید مراد قاضی از این عبارتی که زیر آن خط کشیده شده این بوده است: یا به طور قانونی به دیگری منتقل شده است. در هر حال غلط و سبب نارسایی معنایی شده است.

۳. "با توجه به شکایت اولیاء دم متوفی و نظریه هیئت سه نفره کارشناسان و قبولی متهم و گواهی پزشکی قانونی و صدور کیفرخواست صادره...." الف: جمله طولانی است و آوردن عطف‌های مکرر نادرست است. ب: همزه در پایان کلمه در ترکیب اضافی به "ی" تبدیل می‌شود. به صورت اولیای دم صحیح است.

ج: در واژه "هیئت": اگر همزه حرکت داشته باشد و حرف قبل آن ساکن باشد، بر روی پایه الف به شکل "هیأت" می‌آید.

"قبولی" غلط معنایی دارد و قطعاً منظور قاضی "قبول یا پذیرش آن از سوی متهم" بوده است که صورت دوم مناسب‌تر است.

با توجه به کلمه "صدور" آوردن صادره بعد از کیفر خواست غلط است.

۴. "ویرا به تحمل چهار ماه حبس تعزیری محکوم می‌نماید."

اتصال دو کلمه "وی" و "را" غلط املائی است.

با توجه به آنچه گذشت چنین نتیجه می‌گیریم که آمیختگی زبان فارسی با عربی سبب دگرگونی‌های ساختاری و معنایی در خط و زبان فارسی شده است؛ پدیدار شدن صورت‌های زبانی دو یا چندگانه نیز غلط نگاری‌های فراوان در نوشته‌های حقوقی و قضایی در پی داشته است.

### زبان و منابع حقوقی

"هنگامی که زبان معیار عامه با نیازمندی‌ها و جنبه‌های اجرایی حقوق و هدف‌ها و غایت‌های آن سروکار پیدا می‌کند و به گزارش مفاهیم و بیان قواعد حقوقی می‌پردازد، زبان تخصصی پدید می‌آید."<sup>۱</sup>

زبان علمی و فنی حقوق یکی از زبان‌های معیار است که سنت‌های زبانی و شیوه ارائه مطالب مخصوص به خود را دارد. "از خصوصیات این گونه، صراحت الفاظ در دلالت بر معانی است. دیگر از ویژگی‌های آن عدم کاربرد کلمات عاطفی و یا حداقل کلمات با بار عاطفی سنگین است. (... ) دارای تعبیرات و اصطلاحات دقیق و اغلب کلیشه‌ای است" که ناگزیر فهم آن برای مردم دشوار می‌شود.

مطالعه داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها و مصاحبه نشان می‌دهد که متخصصین علوم حقوقی این دشواری را تأیید می‌کنند اما بر این باورند که چشم پوشی از آن آسان نیست؛ همچنان که در علوم دیگر مانند پزشکی، فلسفه و معماری با واژگان و الفاظی خاص سروکار دارند. در حقوق نیز الفاظ و اصطلاحاتی وجود دارد؛ هر

چند ملال‌آور و کلیشه‌ای؛ اما ابزار انتقال اندیشه‌ها، مفاهیم و قواعد خاص حقوقی است.

واژگان، تعبیرها، اصطلاح‌ها و قواعد سازنده این زبان اگر چه همگی برگرفته از زبان عامه است، اما سخت متأثر از ساخت‌ها و سنت‌های زبانی دیگر است. مانند: کمیته، ترور، کنوانسیون، انترپل، جمهور و پرسنل که همگی از فرهنگ اروپا وارد شده است. همچنین واژه‌های عربی که در فرهنگ و زبان حقوقی ما جایگاهی ویژه دارد.

برخی واژگان همان‌گونه که در میان مردم بکار می‌رود، در حقوق و ادبیات قضایی نیز استفاده می‌شود مانند: دادگاه، شاهد و جرم. دسته‌ای دیگر با ورود به این زبان توسعه مفهومی یافته و کاربردهای مختلفی پیدا می‌کند. مثل: "جرح" که عامه مردم آن را تنها به معنی زخمی کردن بکار می‌برند؛ اما در حقوق در دو معنا: زخم زدن به عضوی از اعضای بدن انسان و "جرح شاهد"<sup>۱</sup> کاربرد دارد. برخی الفاظ مانند: "مجازات" که در زبان عربی به معنی مطلق پاداش است، در فارسی هم با مفهوم "پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی"<sup>۲</sup> و در تداول فارسی با معنای خاص "جزای کار بد" به کار می‌رود؛ در حقوق کیفری معنی اخص آن مراد گردیده یعنی جزای اعمال بدی که فقط در قانون جزایی برای نقض نظم عمومی و به عنوان جرم بیان شده اند و نه هر کاری که احیاناً و یا عادتاً بد تلقی می‌گردند.<sup>۳</sup>

علاوه بر این نمونه‌ها، کلمه‌ها و عبارتهایی وجود دارد که خاص زبان حقوقی است و در معنایی کاملاً متفاوت از آنچه که در میان مردم رایج است به کار می‌رود

۱. جرح: خسته کردن، زخمی کردن، سب و شتم کردن با زبان (دهخدا، ج ۵)

۲. جرح شاهد: در اصطلاح از اعتبار انداختن شهادت شاهد از طریق بیان اوصافی راجع به او که وجود آن اوصاف قانوناً موجب بی اعتباری شهادت گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸)

مانند: "قرار تأمین"<sup>۱</sup> و "صلاحیت"<sup>۲</sup> که از اصطلاح‌های خاص حقوقی و قضایی است.

بخشی دیگر از زبان حقوقی و ادبیات قضایی شامل قواعد است. قاعده در لغت به معنی "اصل، بنیاد، قانون و آیین" (دهخدا) آمده و در اصطلاح حقوق چنین تعریف شده: "قانون بسیار کلی که منشاء استنباط قوانین محدودتر بوده یا مبنای قوانین متعدد دیگر بوده باشد."<sup>۳</sup> مانند قاعده ید<sup>۴</sup>، قاعده درء<sup>۵</sup> و قاعده قبح عقاب بلابیان<sup>۶</sup>.

به تعبیر حبیبی قاعده "یک ضابطه یا راه و رسم سلوک انسانی را در جامعه به یاری اجبار اجتماعی بر کرسی می‌نشانند."<sup>۷</sup> بنابراین باید در عین ایجاز، روشن، صریح و قاطع باشد.

اگر واژگان، اصطلاح‌ها، تعبیرها و به ویژه قواعد حقوقی که بخشی بزرگ از ادبیات قضایی را تشکیل می‌دهد و مفاهیم گسترده حقوقی را با ایجاز مطرح

۱. قرار: در لغت به معنای استواری، آرامش، راستی (دهخدا، ج ۱۱). و در حقوق اگر نظر دادگاه راجع به ماهیت دعوا کلاً یا جزاً باشد، قرار نامیده می‌شود. مانند قرار منع تعقیب و قرار رد دعوی؛ به تصمیمات مقدماتی دادگاه نیز قرار گفته می‌شود. نظیر: قرار تأمین کیفری، قرار ارجاع امر به کارشناس. تأمین: ایمن کردن، حفظ کردن و امن نمودن (دهخدا، ج ۴)

۲. صلاحیت: در لغت به معنی شایستگی، اهلیت و شایسته بودن است و در اصطلاح حقوق آیین دادرسی عبارت از شایستگی یک دادگاه در رسیدگی به امر یا موضوع یا دعوایی است. (اباذری فومشی، ۱۳۹۱)

۳. جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۴۵۶۳

۴. قاعده ید: تصرف در مالی را گویند خواه تصرف قانونی باشد، خواه غیر قانونی (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸)

۵. درء: در لغت به معنای دور کردن و درء حد به معنای دور کردن و ساقط کردن مجازات حد است. در اصطلاح فقه که از آن به قاعده "درء" یا "درء الحد" یا "ادرء الحدود بالشبهات" نیز یاد می‌شود. آن است که به دلیل وجود شبهه در جرم بودن عمل ارتكابی مرتکب مجازات نشود. (اباذری فومشی، ۱۳۹۱)

۶. قبح عقاب بلابیان: به موجب این قاعده تنبیه و مجازات افراد قبل از وضع و اعلان قانونی امری مذموم و مورد نکوهش است. به عبارت دیگر مجازات فرد به لحاظ ارتكاب فعل یا ترک فعلی که به موجب قانون لاحق جرم شناخته شده، لکن در زمان ارتكاب امری مباح بوده، غیر معقول و قابل سرزنش است. (اباذری فومشی، ۱۳۹۱)

۷. حبیبی، همان

می‌کند، واضح، دقیق، صریح، غیر متناقض، معین و قطعی باشد، به یقین مضمون و مستنبط از آن نیز عاری از هر گونه ابهام و اجمال خواهد بود و اگر چنین نباشد، قاضی در انشای رأی ناچار است مطابق اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی<sup>۱</sup> و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی<sup>۲</sup> از تشخیص و ارزیابی خود یاری بجوید.

در متون حقوقی اعم از قانون، آیین نامه‌ها، دکترین‌های حقوقی، آرای وحدت رویه و غیره که مستند بسیاری از تصمیم‌های قضایی به ویژه آرای دادگاه‌های جزایی است، رعایت روشنی، پختگی و دقت معنایی نثر آن امری ضروری است. علم حقوق و قضا به لحاظ جایگاهی که در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد، باید از زبانی دقیق، استوار و مطمئن برخوردار باشد؛ تا موجب "چند معنایی، ابهام و اجمال و به دنبال آن مسائل سیاسی، اجتماعی"<sup>۳</sup> و .... نگردد. به این معنا که منابع و متون حقوقی باید به لحاظ ساختار زبانی، از جمله‌ها و عبارت پردازی‌های موجز اما پرمایه و قاطع بهره مند باشد، مفاهیم قواعد، واژه‌ها و تعبیرهای حقوقی را به خوبی آشکار سازد و آنچه را که الزام و اقتضای زبان حقوقی است رعایت نماید؛ و گرنه خود نیازمند اصلاح، تکمیل، متمیم و تفسیر خواهد شد.

۱. در اصل ۱۶۷ قانون اساسی آمده است "قاضی موظف است کوشش کند که حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. (منصور، ۱۳۸۱)

۲. قضات دادگاه ها موظف اند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی توانند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستتکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سامانه قوانین)

۳. حبیبی، همان

"سبک قانون مدنی ایران نمونه ای است برای روشن ساختن الزامات و مقتضیاتی که زبان حقوقی باید بدان‌ها توجه کند. متون جدید و رویه قضایی معاصر با بیان ارتجالی خود و پاسخ‌گویی شتاب‌آلود به ضرورت‌هایی که ناشی از عجله مفرط است، این الزامات و مقتضیات را نادیده می‌گیرد و سپس با ابهام و اشکال روبرو می‌شود ناگزیر کارش به اصلاح و تکمیل مکرر قانون و مقرر و یا درخواست تفسیر می‌انجامد." (حبیبی، همان)

پس باید پذیرفت که زبان حقوقی زبان علم است، ادبیات قضایی تخصصی و موضوعات آن فنی است. سبک و هنجارهای خاص خود را دارد. "بدیهی است هرگونه انحراف از رعایت این هنجارها در نوشته‌های [قضایی] عدول از زبان معیار تلقی می‌گردد. مثلاً اگر [قاضی در نوشتن رأی] به کلمات عاطفی روی بیاورد یا هنگام نقل وقایع از زبان گفتار استفاده کند یا هر نوع سبک دیگری را که مخالف هنجارهای زبان علمی است به کاربرد اصول زبان معیار خود را نقض کرده است. طبیعی است که داوری خوانندگان در این گونه موارد همواره نامساعد خواهد بود."<sup>۱</sup>

زبان حقوقی به دلیل وظیفه‌ای که دارد، در هیچ غالب زبانی دیگر نمی‌گنجد. "زبان حقوقی موظف است مفاهیمی را معین و بیان کند که بیان و درک آنها جزو وظایف زبان عامه مردم و عموم مردم نیست کلمات و واژه‌هایی که "قواعد فقه" و بخش عمده‌ای از ضوابط حقوقی با آنها بیان و گزارش شده‌اند جانشین ناپذیرند و به یاری آنها و در نبود آنها نمی‌توان معانی حقوقی را این چنین خلاصه، دقیق و روشن و متکی به مباحث کهن حقوقی و فقهی گزارش کرد."<sup>۲</sup>

۱. صادقی، ۱۳۶۲

۲. حبیبی، همان



بنابراین به حکم داده‌های علمی استنباط‌نگارنده این است که منابع حقوقی اعم از قوانین، متون فقهی، نظریه‌های مشورتی، آرای وحدت رویه، آیین نامه‌ها، دکترین‌های حقوقی و هر منبع دیگر که مورد استناد آرای دادگاه‌های جزایی باشد نقشی مؤثر در کیفیت نگارش رأی و تبیین اندیشه قاضی دارد؛ نیز به ایجاد آرامش و امنیت سیاسی و اجتماعی کمک می‌کند؛ و موجب انتظام امور و تعادل در جامعه می‌شود.

همچنین از آنجا که در زبان فارسی برای بسیاری از واژگان، اصطلاح‌ها و قواعد حقوقی، برابری موجز، دقیق، قطعی و غیره متناقض وجود ندارد و از سوی دیگر رأی قاضی عرصه شرح و بسط اندیشه‌های قضایی برای عامه مردم نیست، شایسته و بایسته آن است که کار تفسیر، توضیح و تشریح رأی را به کارشناسان آن یعنی وکلا واگذارند. به یقین استقرار امنیت حقوقی بسته و پیوسته به تحقق مفاهیم خاص حقوقی است و به طور قطع این امر مهمتر از عامه فهم کردن آراء دادگاه‌ها است.

اکنون پرسش این است:

چگونه می‌توان با حفظ زبان و خط فارسی به رغم همه دشواری‌های آن و رعایت ویژگی‌های زبان حقوقی، رأی مستدل، محکم و پاکیزه نگاشت؟

### چگونه باید نوشت؟

#### بایسته‌های قانونی نگارش رأی

"انسان‌ها باید مشروعیت قضاوت قضات را بپذیرند و این امر منوط به انشای تصمیمات مستدل و قانع‌کننده است."<sup>۱</sup> در تصمیم قضایی (...) [علاوه بر درج تاریخ

۱. نوبخت، ۱۳۹۱.

صدور رأی، مشخصات شاکی و متهم، وکیل یا نماینده قانونی آنها با قید اقامتگاه و موضوع شکایت یا اتهام آیین باید به گونه ای باشد که چگونگی وقایع و کیفیات و اوضاع و احوال ادعای اطراف دعوی و دلایل و نیز ایرادات و دیگر طواری دادرسی و اصل حکم همگی برای افراد عادی نیز مفهوم باشد. در تحریر آرا باید کوشش کرد تا کیفیات و اوضاع و احوال قضیه از اصل تصمیم جدا باشد و ماهیت عمومی دعوی و چگونگی رسیدگی و شکل آن به روشنی و با سبکی مستقیم عرضه شوند و ادعاها و مستندات اطراف دعوی به شکل جدید و بی حشو و زواید بیان گردند. بنابراین در آرا نخست باید علل و موجبات و مستندات رأی بیان شود. سپس اصل تصمیم جداگانه بیاید تا حداقل بخش اول رأی مفهوم باشد.<sup>۱</sup>

در بخش دوم مطابق اصل یکصد و شصت و ششم قانون اساسی که بیان داشته: "احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است"،<sup>۲</sup> قاضی موظف است با استناد به قواعد حقوقی، مواد قانونی یا فقهی نظر نهایی خود را که همان نتیجه رأی است، اعلام و به این طریق فصل خصومت کند.

بی تردید آنچه گفته شد به تنهایی برای نگارش یک رأی مطلوب کافی نیست. "نخستین ویژگی رأی مطلوب آن است که دارای نثری پخته و پاکیزه باشد. البته انتظار آن نیست که قاضی در انشای رأی دارای سبکی ویژه باشد یا از خواندن رأی لذت هنری حاصل شود. (...). اما این انتظار هست که برای انتقال پدیده‌های ذهنی خود بر زبان [وخط فارسی، نگارش، ویرایش و دستور] تسلط کامل داشته باشد."<sup>۳</sup>

۱. حبیبی، همان

۲. منصور، ۱۳۸۱: ۸۶

۳. صالحی راد، ۱۳۸۸: ۲۳

## رسم الخط فارسی

"خط چهره مکتوب زبان است. همان‌گونه که زبان از مجموعه اصول و قواعدی به نام دستور زبان پیروی می‌کند، خط نیز باید پیرو اصول و ضوابطی باشد که ما مجموع آن اصول و ضوابط را دستور خط می‌نامیم."<sup>۱</sup>

بر اساس کیفیت نگارش دادنامه‌های مطالعه شده‌هاز مهمترین اصولی که رعایت آنها در درست نویسی نقشی بسزا دارد به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. همزه و قواعد آن: نگارش آن در بسیاری از آرا نادرست است.
۲. فعلهای ربطی: بدون قرینه حذف شده است.
۳. تنوین: کاربرد آن در واژگان فارسی درست نیست.
۴. جدانویسی: پیوستن "به" به کلمه بعد و "را" به واژه قبل خود صحیح نیست.
۵. پیوسته نویسی: در ترکیب‌های عربی مانند: علی‌رغم و معهذا اشتباه و صورت درست آنها "علی‌رغم" و "مع‌هذا" است.
۶. مفرد و جمع: در فارسی جمع بستن واژگان عربی و فارسی به شیوه عربی صحیح نیست.
۷. مؤنث و مذکر: از قواعد زبان عربی است و در فارسی جایگاهی ندارد. اما در آرا بسیار دیده می‌شود.
۸. واحدهای شمارش: در بیشتر آرا برای شمارش همه انواع و اجناس از کلمه عدد استفاده شده که غلط است. مانند: دو عدد انگشتر که باید گفت: دو حلقه ...

۱. نامه فرهنگستان، ۱۳۷۸

### علائم سجاوندی

"نقطه گذاری یا سجاوندی عبارت است از به کاربردن علامت‌ها و نشانه‌هایی که خواندن و فهم درست مطالب را آسان و به رفع پاره‌ای ابهام‌ها - از جمله ابهام‌هایی که ناشی از عدم انعکاس عناصر گفتاری در نوشته است - کمک می‌کند!"<sup>۱</sup>

در آرای دادگاه‌های جزایی مشهد، نقطه ( . )، ویرگول ( ، ) و خط فاصله ( - ) تنها علامت‌هایی است که کاربرد داشته است. گاه در پیش نویس رأی و گاه در نسخه تایپ شده دیده می‌شود. البته در برخی موارد نا به جا بکار رفته است. علاوه بر نشانه‌های یادشده علامت‌های زیر نیز در نگارش رأی می‌تواند استفاده شود.

نقطه ویرگول (؛)، دو نقطه (:)، گیومه ("...") پرانتز ( ) و ( ؟ ) که در صورت کاربرد به جا و درست در خواندن صحیح و فهم دقیق رأی کمکی شایان می‌کند.



نقد یک رأی

فصلنامه نقد رأی / سال دوم، شماره چهارم و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

(۱)

فلا ترموا آیهوی ان تدلوا

دادگاه عمومی جزایی مجتمع قضایی شهید دادگستری شهرستان مشهد

شماره پرونده: ۹۹۸۵  
شماره بایگانی شعبه: ۹۱۰۹۹۷۵  
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۱/۰۵/۲۲  
پوسته:

شماره دادنامه: ۶۸۲  
شماره پرونده: ۹۱۰۹۹۷۵

دادنامه

پرونده کلاسه ۶۹  
قضایی شهید  
۶۸۲  
شاکی: خانم شهین  
مدرس کوچک  
متهمین: ۱. خانم امه  
مدرس ساختمان طبقه واحد  
۲. آقای مرتضی  
سمت راست بلاک  
۳. آقای علی  
اتهام: معاونت در سرقت

با وکالت آقای محمد  
با وکالت آقای محمد  
به نشانی مشهد بلوار  
به نشانی مشهد بلوار  
بلوار باغداری

۹۰۰۹۹۸۵ شعبه دادگاه عمومی جزایی مجتمع قضایی شهید دادگستری شهرستان مشهد دادنامه شماره ۶۸۲

رای دادگاه

در خصوص وخواهی آقای مرتضی فرزند محمد رضا ۳۰ ساله، شغل آزاد، فاقد سابقه نسبت به دادنامه شماره ۸۷۰۰۶۹۱ که بموجب آن وخواه به تحمل پنج سال حبس تعزیری و ۵۰ ضربه شلاق و رد طلاق گردنبد. بلاک زنجیر و دو عدد انگشتر دستبند و تعدادش عدد انگو-گوشواره به ارزش تقریبی ۱۳ میلیون تومان محکوم شده است، نظریه اینکه اولاد دادنامه منطبق با قانون صادر شده است وخواهی بحدی نیست که موجب نقض رای باشد. ثالثاً محکوم قبول دارد که نوشته برای آنها آورده است و در محل حضور داشته است و سباز فر این علم آورده است. ماده ۲۱۸ قانون آ.د.ک. ضمن رد وخواهی دادنامه تأیید و استوار می گردد و بلحاظ اینکه محکوم جوان است ضمن رد مال مجازات معینه رابه شش ماه حبس تعزیری و سی ضربه شلاق محکوم می نماید. رای صادره حضوری و قابل تجدیدنظر ظرف مدت ۲۰ روز بعد از ابلاغ در شعبات محترم تجدیدنظر استان است.

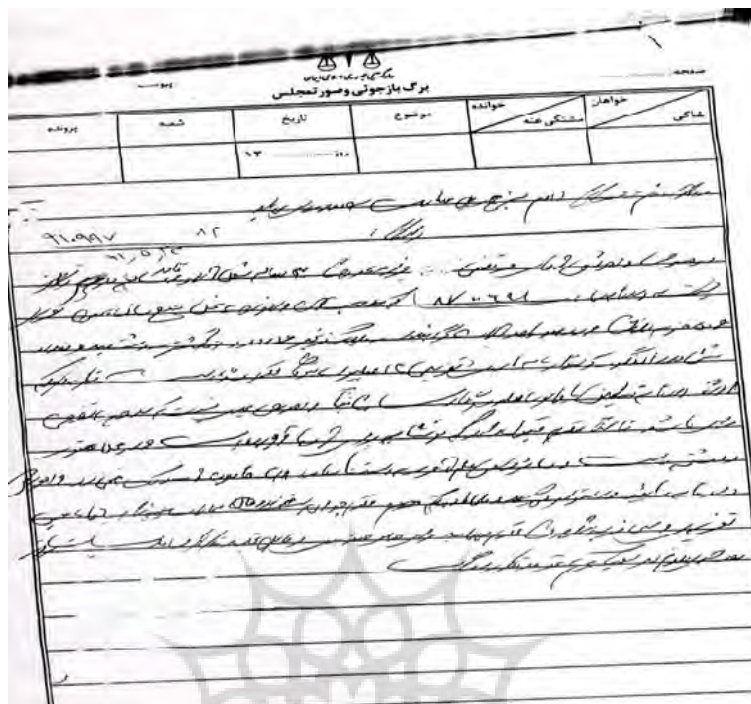
رئیس شعبه دادگاه عمومی جزایی مشهد

امضای تنظیم کننده

نشانی: مشهد - بلوار وکیل آباد، وکیل آباد ۴۳

۸۷  
۲۰

شعبه قضایی و مطالبات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



- در مطالعه این دادنامه که پیش نویس آن را نیز جهت مطالعه آورده‌ایم، صرف نظر از خطاهای آشکار در مقدمه، موارد زیر در متن رأی دیده می‌شود.
۱. فاصله بین کلمه‌ها رعایت نشده که موجب بدخوانی و ابهام گردیده است.
  ۲. علامت‌های نگارشی ویرگول، خط تیره و نقطه که گاه نا به جا به کار رفته است.
  ۳. اتصال حرف " به " به واژگان بعدی در سطرهای ۲، ۵ و ۸ در "بموجب، بحدی و بلحاظ": که باید جدا نوشته شود.
  ۴. کلمه‌های "تغریبی و تائید" در سطرهای ۴ و ۸ دارای غلط املائی است و ویرایش نشده است.

۵. در "طلاآلات": آلات اگر برای بیان جنس با کلمه ای ترکیب شود درست است، اگر به عنوان علامت جمع آمده باشد باید از کاربرد آن پرهیز کرد.<sup>۱</sup>
۶. واحد شمارش در سطر ۳ و ۴: دو عدد انگشتر و.. غلط و واحد درست آن حلقه است.
۷. عبارت "واخواهی به حدی نیست" اشتباه معنایی دارد. چراکه برای واخواهی نمی‌توان اندازه‌ای در نظر گرفت.
۹. در سطر ۶ "محکوم قبول دارد نوشابه ای برای آنها آورده است": یکی از وظایف قاضی در صدور رأی شرح حادثه و ذکر دلایل، مدارک و ادله اثبات دعواست؛ اما ماجرای نوشابه از کجا و چگونه وارد جریان رأی شده مشخص نیست. در حکم غیابی نیز به آن اشاره نشده است. این ابهام مغل فصحاست.
۱۰. در سطر ۷ "سائر قرائن": همزه مکسور پس از مصوت بلند به "ی" تبدیل می‌شود.
۱۱. در سطر ۷ علامت اختصاری آ-د-ک: اشتباه و صورت درست آن آ.د.ک. است.
۱۲. در سطر ۸ "مجازات معینه": آوردن صفت به صورت مؤنث اشتباه است. در فارسی صفت با موصوف تطبیق نمی‌کند.
۱۳. در سطر ۹ فعل "محکوم می‌نماید": برای مفعول "مجازات معینه" اشتباه دستوری و معنایی دارد چون انسان باید محکوم شود نه "مجازات"، همچنین بهتر است از کاربرد "نمودن" به جای کردن خودداری شود.<sup>۲</sup>
۱۴. در سطر ۹ "صادره": آوردن صفت مفعولی مؤنث برای کلمه موصوف مذکر اشتباه است. درست آن "صادر شده" است.

۱. رک: انوری، عالی عباس آباد، ۱۳۸۵: ۴.

۲. رک: نجفی، ۱۳۸۲: ۳۹۶.

۱۵. عدد ۲۰: در پیش نویس رأی با حروف نوشته شده که درست است؛ اما در تایپ به صورت ۲۰ آمده و ویرایش نشده است.
۱۶. در ترکیب "شعبات محترم": الف: در فارسی جمع بستن با شیوه عربی صحیح نیست و در ست آن "شعبه‌ها" است. ب: کاربرد واژگان عاطفی مانند: محترم در نوشته‌های رسمی قاضی ضرورت و شأنی ندارد.

### بحث و نتیجه گیری

خطاهای نگارشی، ویرایشی و دستوری در آرای دادگاه‌های جزایی با دشواری‌های زبان و خط فارسی ارتباط مستقیم دارد. برخی اشکال‌ها از منابع آموزشی حقوقی به آرای این محاکم راه یافته است. زبان و متون حقوقی که مورد استناد در رأی قاضی است، موجب دشوار شدن فهم آن برای عامه مردم می‌شود؛ اما از آنجا که استقرار امنیت حقوقی و قضایی شهروندان، ثبات سیاسی، اجتماعی و انتظام امور جامعه در گرو تحقق مفاهیم دقیق حقوقی است و از سوی دیگر برای بسیاری از قواعد و واژگان تخصصی حقوق، برابری دقیق و قطعی در زبان فارسی وجود ندارد، نمی‌توان از آن به بهانه عامه فهم کردن رأی دادگاه چشم پوشید؛ اما قاضی می‌تواند با استدلال‌های قوی، مستندهای خدشه ناپذیر و بکارگیری واژگان فنی در قالب جمله‌ها و عبارت‌هایی رسا و شیوا پیام خود را به مخاطب انتقال دهد. آموزش صحیح زبان فارسی و تسلط بر دستور آن به عنوان یک ضرورت همچنین یادگیری قواعد عربی بر کاهش این اشکال‌ها مؤثر است.

طراحی و تولید نرم افزاری ویژه نگارش با توانایی شناسایی و رفع خطاهای نگارشی، ویرایشی و دستوری می‌تواند راهی باشد برای کمک به قاضی در انشای رأی و سرعت و سامان بخشیدن به تنظیم دادنامه.



دستگاه قضایی در کنار توجه به آمار کمی با طراحی و تصویب برنامه‌های بلند مدت و نظارت بر حسن اجرای آن می‌تواند آرای دادگاهها را از جهت مورد بحث به صورت دوره‌ای ارزیابی و رتبه‌بندی کند؛ با معرفی برترینها و تشویق شایسته صادرکنندگان برای بهبود کیفی آرا نیز ایجاد انگیزه کند.

ارتباط مؤثر صاحب نظران و استادان زبان و ادب فارسی و حقوق در رفع نابسامانی‌های ادبیات حقوقی، به ویژه اصلاح منابع آموزشی و توسعه قلمرو هر دو زبان می‌تواند کارساز باشد؛ تا در سایه این تلاش‌ها زمینه گسترش عدالت، نظم، احقاق حقوق مردم، حفظ سرمایه‌های ملی و جایگاه دستگاه قضا فراهم آید.

## منابع

- ۱- ابادری فومشی، منصور، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق جزایی (کیفری)**، تهران: نشر، شهید نور اللهی، ناشر همکار: اندیشه عصر، ۱۳۹۱.
- ۲- انوری، حسن، عالی عباس آباد، یوسف، **فرهنگ درست نویسی سخن**، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۵.
- ۳- بازرگان، عباس، **مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته**، تهران: نشر دیدار، ۱۳۹۱.
- ۴- بهاری، محمدرضا، به زبان آدمیزاد یادداشت‌هایی در ستایش پاکیزه نویسی و نکوهش شلخته نگاری، تهران: نشر نی، ۱۳۹۱.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: نشر کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.
- ۶- حبیبی، حسن، "زبان حقوقی"، ۳۷-۱۳، **نامه فرهنگستان**، س ۱، ش ۱، بهار <http://persianacademy.ir/fa/nf01.aspx>، ۱۳۷۴.
- ۷- خسروی، محمد رضا، "نقش نگارش در انشای رأی"، ۲۰-۳۶، ۱۹-۳۸، ۲۷-۲۸، ۳۱-۳۴ و ۹۰-۹۲ در: پیام آموزش، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه (۸۲-۱۳۸۱)، س ۱، پیش شماره‌های اول و دوم، س ۲، ش ۴-۱، ۸۲-۱۳۸۱.
- ۸- \_\_\_\_\_، **آیین نگارش حقوقی**، تهران: نشر نگاه بینه، ۱۳۸۳.

- ۹ - \_\_\_\_\_ نقد نگارش آرای قضایی، قم: نشر قضا، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۸.
- ۱۰- دفتر کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مشهد، ۱۳۹۲.
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه جلد‌های ۴، ۵ و ۱۱**.
- ۱۲- شیعه علی، فرشته، **نقد و بررسی آیین نگارشی آرای دادگاه‌های عمومی و حقوقی مشهد**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور واحد مشهد، ۱۳۹۲.
- ۱۳ - صادقی، علی اشرف، **"زبان معیار" ۴۰-۲۹ در: درباره فارسی**، زیر نظر نصرالله پورجوادی (۱۳۷۵)، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- ۱۴- صالحی راد، محمد، **آیین نگارش آراء قضایی**، تهران: نشر امجد، ۱۳۸۸.
- ۱۵- فرشید ورد، خسرو، **دستور مفصل امروز**، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲.
- ۱۶- \_\_\_\_\_، مسأله درست و غلط، **نگارش و پژوهش در زبان فارسی**، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۷.
- ۱۷- فرهنگستان زبان و ادب فارسی، **نامه فرهنگستان**، ۱۳۷۸.
- ۱۸- کافی، علی، **"گرایش‌های گوناگون در واژه‌گزینی"**، ۲۶۹-۲۵۳، در: درباره فارسی، زیر نظر نصرالله پورجوادی (۱۳۷۵)، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱.
- ۱۹- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سامانه قوانین <http://rc.majlis.ir/fa/law>
- ۲۰- منصور، جهانگیر، قانون اساسی و قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دوران، ۱۳۸۱.
- ۲۱- نجفی، ابوالحسن، **"آیا زبان فارسی در خطر است"**، ۲۸-۳، در: درباره فارسی، زیر نظر نصرالله پورجوادی (۱۳۷۵)، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱.
- ۲۲- \_\_\_\_\_، **غلط نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
- ۲۳- نوبخت، حسن، **بایسته‌های نگارش حقوقی و قضایی**، تبریز: آیدین، یانار، ۱۳۹۱.
- ۲۴- یاحقی، محمدجعفر، ناصح، محمد مهدی، **راهنمای نگارش و ویرایش**، مشهد: به نشر، ۱۳۸۴.